

بررسی امکان و ادله ایجاد بدهی (معوقات بانکی) در نظام بانکی بدون ربا

حسن سبحانی^۱

محمد اکبری^۲

چکیده

بحث معوقات و بطور کلی بدهی از بزرگترین معضلات و البته ایرادات نظام بانکی ایران محسوب می شود. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر نمایان میگردد که میزان مطالبات غیر جاری (به عنوان قسمتی از مقوله کلی بدهی) و رشد فزاینده آن در نظام بانکی ایران مورد مطالعه قرار می گیرد. تاکنون ادله متعددی چون عدم اعتبار سنجی، پایین بودن نرخ سود بانکی از تورم، شرایط نامناسب و رکود اقتصادی و ... به عنوان دلایل اصلی ایجاد معوقات در نظام بانکی ایران (به عنوان یک نظام بانکی بدون ربا) ذکر شده است که تا حدود بسیار زیادی از رویکرد و تحلیل به کار گرفته شده در این مقاله متفاوت می باشد. در این مقاله بر اساس روش تحلیلی-توصیفی، مبانی نظری بانکداری بدون ربا در موضوع امکان ایجاد بدهی مورد تحقیق قرار گرفته است؛ به این معنی که با بررسی عقود مصرح در قانون عملیات بانکی بدون ربا نشان داده شده است که نوعا امکان ایجاد بدهی در نظام بانکی بدون ربا وجود ندارد و یا بسیار کم است؛ همچنین استدلالهای مطروحه درباره ایجاد بدهی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسیها نشان دهنده آن است که عدم اجرای درست عملیات بانکی بدون ربا و تخطی از قانون و بعضا صوری بودن اجرای عقود اسلامی از اصلی ترین و حتی منحصرترین ادله ایجاد بدهی در نظام بانکی کشور است.

واژگان کلیدی: بدهی، معوقات (مطالبات) بانکی، امکان و دلایل معوقات، سود، بهره

۱. استاد اقتصاد؛ دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد؛ دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

در نهاد بانک و عرف بانکداری، به مطالبات بانک از افراد بابت وام و یا تسهیلات پرداختی سررسید گذشته، "معوقات بانکی" یا "مطالبات معوق" می‌گویند.

افزایش معوقات و بطور کلی بدهی در نظام بانکی به معنای کاهش توان خدمت‌رسانی و تسهیلات دهی و در نهایت بی‌ثباتی‌های مالی در آینده است. به زبان دقیق‌تر بدهی‌های بانکی، در حوزه عملکردی خودبانکها کاهش میزان خدمت به مراجعین، کاهش راندمان و بازدهی کاری، کاهش سودآوری، افزایش هزینه‌های عملیاتی و کاهش حقوق و مزایای کارکنان و ... و در بخش کلان اقتصاد، کندی و انحراف چرخش نقدینگی، عدم اختصاص به موقع و بهینه منابع به شبکه تولید و صنعت کشور، عدم رونق اشتغال، رکود اقتصادی، تورم، بی‌ثباتی فضای اقتصاد، تخریب نهادهایی چون اعتماد و اطمینان و دوری از عدالت اقتصادی و ... را در پی خواهد داشت.

امروزه مبحث بدهی و معوقات بانکی از بزرگترین و پیچیده‌ترین معضلات و البته ایرادات نظام بانکداری ایران به حساب می‌آید؛ به خصوص که روز به روز هم بر میزان آن افزوده می‌شود.

به عنوان نمونه، مطالبات غیر جاری در سال ۱۳۸۵ خورشیدی حدود ۱۶ هزار و یک صد و شصت و دو میلیارد تومان برآورد شده است که با گذشت ۵ سال، در سال ۱۳۹۰ به رقم حدودی ۵۹ هزار میلیارد تومان رسیده است. (گزیده آمارهای اقتصادی، سایت بانک مرکزی) و طبق گفته مقامات رسمی تا انتهای سال ۹۲ به بیش از هشتاد هزار میلیارد تومان رسیده است. رشد این مطالبات در طول ۵ سال قریب به ۳۶۵ درصد بوده است که در نوع خود کم‌نظیر است.

از سوی دیگر طبق آنچه که در فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا آمده است، تجهیز منابع بانک‌ها باید با استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار صورت پذیرد.

در این باره می‌توان گفت ماهیت عقد قرض‌الحسنه مشخص است و در آن رابطه شخص سپرده‌گذار با بانک به صورت داین و مدیون (بدهکار و بستانکار) می‌باشد، چراکه مبتنی بر عقد قرض است؛ لکن در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که سپرده‌گذار به قصد کسب منفعت و سود اقدام به افتتاح سپرده می‌کند رابطه بانک و سپرده‌گذار به صورت وکیل و موکل است.

طبق قانون در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بانک وکیل است که این سپرده‌ها را در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار دهد. (تبصره ماده ۳) و منافع حاصل از عملیات‌های مذکور را طبق قرارداد منعقد شده، متناسب با مدت و مبالغ سپرده سرمایه‌گذاری و با رعایت سهم بانک به سپرده‌گذار پرداخت نماید. (ماده ۵)

در بخش تخصیص منابع بانکها، که از آن تحت عنوان تسهیلات یاد میشود نیز، عملیات بر مبنای عقود شرعی مشارکت (مدنی - حقوقی)، سرمایه‌گذاری مستقیم، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، معاملات سلف، جعاله و قرض‌الحسنه انجام میشود. (مواد ۷ الی ۱۷)

چنانچه استنباط میشود در تمام عقود فوق‌الذکر چه در بخش تجهیز و چه در بخش تخصیص، همواره بخش حقیقی اقتصاد تعیین‌کننده نرخ سود خواهد بود؛ بدین معنا که در مقابل هر عرضه وجهی، مبادله و فعالیت در بازار حقیقی اقتصاد جهت تعیین "سود" صورت می‌پذیرد.

با توجه به مطالب مطروحه مسئله این است که اگر تمامی تسهیلات پرداختی در قانون عملیات بانکی بدون ربا مبتنی بر بخش حقیقی است، و عقود مصرح در این قانون به انواع متفاوت شامل عین در جهان واقعی هستند و وثایق و تأمین‌ها نیز آنها را پشتیبانی می‌کنند پس چرا اصولاً بدهی بانکی پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا به وجود می‌آید و چرا چنین حجم و نسبتی در مطالبات غیر جاری مشاهده می‌شود؟ به زبان دقیق‌تر چرا این حجم و نسبت (به تسهیلات اعطایی) از بحثی که تحت عنوان "مطالبات غیر جاری" (به عنوان زیر مجموعه‌ای از بحث بدهی) از آن یاد می‌شود، وجود دارد؟ به نظر میرسد که اگر بانکها بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا عمل می‌کردند و طبق قرارداد منعقد با تسهیلات

گیرنده، محصولات مشخص مبادله و یا طبق قراردادهای مشارکت، در طرح هایی که دارای توجیه اقتصادی هستند مشارکت واقعی میکردند، این میزان مطالبات غیر جاری و کلا بدهی در نظام بانکی ایجاد نمی شد.

سوالات پژوهش

۱- آیا عقود بانکی در بانکداری ایران مطابق قانون و شرع منعقد و پیگیری می شوند؟

۲- آیا بانک ها نقش وکالتی خود را در انجام عقود بدرستی ایفا می کنند؟

۳- آیا بین درستی اجرای عقود شرعی و بوجود نیامدن بدهی رابطه ای برقرار است؟

سوالات و مباحث ذکر شده ضرورت و لزوم ریشه یابی و بررسی امکان و ادله به وجود آمدن این حجم و نسبت از بدهی و معوقات بانکی و رشد فزاینده آن و ارائه راه حل های پیشنهادی مبتنی بر شناخت ریشه های مشکل (و نه تنها عللی که خود منبعث از ریشه این معضل هستند) را آشکار میسازد؛ که این ریشه یابی و آسیب شناسی و ارائه راهکارهایی مبتنی بر آنها، می تواند هدف اصلی این مقاله باشد.

ادبیات موضوع:

۱- آسیب شناسی مطالبات معوق؛ (مداحی، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

نگارنده علل ایجاد و رشد مطالبات معوق را به طور کلی در دو دسته درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم بندی کرده است. از عوامل درون سازمانی به مواردی چون، نبود مدیریت موثر بر دارایی ها، ضعف کیفی فرآیند و مراحل بررسی تسهیلات اعطایی، نداشتن دقت لازم در خصوص وضعیت مالی و اعتباری ضامن یا ضامن ها، نبود سیستم هدف گذاری تعهدات بانک، پایین بودن نرخ خسارت تاخیر نسبت به هزینه تحصیل پول در بازار غیر رسمی، اعسار و نا توانی بدهکار، تغییر شرایط اقتصادی و ... اشاره کرده است.

۲- ربا و مشکلات اقتصاد ایران؛ (صمصامی، ۱۳۸۸)

نظام بانکی فعلی، مناسب اجرای معاملات مصرح در قانون نبود و در اجرا شکل ربوی به خود گرفت. ربوی شدن نظام بانکی و انحراف از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، موجب رشد شدید معوقات بانکی شد.

۳- بررسی عوامل موثر در ایجاد مطالبات معوق بانکهای تجاری مناطق آزاد تجاری - صنعت (رستمیان و طبسی، ۱۳۸۹)

" با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها نتایج تحقیق نشان داد که بین نوسانات نرخ ارز، نوع فعالیت اقتصادی، مدت زمان اعتبارات اعطایی، نوع موارد استفاده از اعتبار، نوع وثایق دریافتی و نوع اعتبار اعطایی با مطالبات معوق رابطه وجود دارد." یکی از فرضیات این تحقیق این بوده است که بین نوع اعتبار پرداختی (عقود) و ایجاد مطالبات معوق رابطه معنی داری وجود دارد.

نویسندگان در نهایت عدم امکان رد این فرضیه را ذکر کرده اند.

۴- کالبد شکافی مطالبات معوق و راه های پیشگیری آن در سیستم بانکی؛ (حسن زاده و حبیبی، ۱۳۹۰)

نگارندگان عوامل ایجاد معوقات بانکی را به دو بخش درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم بندی کرده اند. عوامل درون سازمانی مورد اشاره آنان بدین شرح است:

عدم وجود سیستم مناسب ارزیابی و اعتبار سنجی مشتریان، ضعف کیفی فرآیند و مراحل بررسی تسهیلات، عدم نظارت کافی بر مصرف تسهیلات و عدم مدیریت موثر بر ارقام دارایی ها.

۵- دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن؛ (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۱)

در این پژوهش، پس از بررسی تجارب داخلی و خارجی درباره دلایل و راه های مقابله با معضل مطالبات معوق و انجام پژوهشهای میدانی، بیش از سی عامل در بروز مطالبات معوق کشور شناسایی شده؛ و پس از انجام آزمون فرضیه، نتیجه گرفته شده است که در نظام بانکی ایران، نقش عوامل درون سازمانی در شکل گیری معوقات، از عوامل برون سازمانی بیشتر است.

۶- بررسی تحلیل و علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه کار های پیشگیری و کاهش آن؛ (نتاج و نجف پور کردی، ۱۳۹۲)

در این پژوهش نتیجه گرفته شده که بسیاری از مسائلی که باعث بروز معوقات میشود، درون سازمانی بوده و لزوم برنامه‌ریزی بلند مدت جهت آموزش و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین اعتبارسنجی بیش از پیش مورد نیاز است.

تبیین سازو کار نظام بانکی بدون ربا

بر اساس "قانون عملیات بانکداری بدون ربا" بانکها با داشتن نقش وکالتی و با جذب منابع مردم و بنگاههای اقتصادی میتوانند به اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی مبادرت ورزند. طبق ماده ۶۵۶ قانون مدنی: "وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید" و طی آن وکیل باید در انجام وظایف وکالت، مانند اعمال مربوط به خود، با کمال دلسوزی عمل کند، و الا مسئول خواهد بود و جایز بودن عقد وکالت رافع مسئولیت نخواهد بود و هرگاه وکیلی نخواهد به وظایف خود عمل کند می‌تواند قبل از موعد، از وکالت استعفا دهد. (امامی، ۱۳۶۶، ج ۲ ص ۲۲۴) ولی تا زمانی که رابطه حقوقی باقی است باید آن را محترم بدارد. (کاتوزیان، عقود معین، جلد ۴، ص ۱۶۳) یعنی به طور کلی از شرایط وکیل این است که عقلا و شرعا متمکن در انجام امر مورد وکالت باشد. (فرزین وش، ۱۳۸۱، ص ۵۸۲) همچنین طبق ماده ۶۶۷ قانون مدنی: "وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصرحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست تجاوز نکند" فلذا اگر مصلحت موکل از سوی وکیل رعایت نشود، طبق ماده ۶۶۶ قانون مدنی: "مسئول خواهد بود". تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا هم بر آن است که بانک در اعطای تسهیلات، وکیل سپرده‌گذاران است تا به وکالت از آنها در قالب عقود اقدام به اعطای تسهیلات کند. بانکها طبق موارد فوق‌الذکر باید مصلحت موکل را رعایت کنند و با کمال دلسوزی عمل نمایند؛ فلذا اگر چنین نشد و اگر بانک خسارتی به موکلان وارد کند که عرفا ضامن آن محسوب شود مسئول خواهد بود.

در یک تقسیم بندی می‌توان عقود بانکی در نظام بانکداری بدون ربا را (جهت بررسی امکان ایجاد بدهی در آنها) به سه دسته ذیل تقسیم کرد:

الف- قرار داد های مبتنی بر سهم بری (مشارکت)

ب- قراردادهایی که بازدهی ثابت دارند (مبتنی بر سود ثابت)

ج- قراردادهایی که بازدهی متغیر دارند (مبتنی بر سود غیر ثابت - غیر مشارکتی)

از هر دسته از تقسیم بندی فوق مصداقی بطور خاص (که بیشتر هم مبتلا به است) مورد تشریح قرار می‌گیرد.

الف - عقود و قرار داد های مبتنی بر سهم بری (مشارکت)

در این [نوع] عقود (مبتنی بر شرکت)، بانک تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری، خدماتی) را تأمین می‌کند و در نهایت مطابق قراردادی که با صاحبکار اقتصادی منعقد کرده، سود فعالیت مورد نظر را (با یکدیگر) تقسیم می‌کنند. (موسویان، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹)

همچنین در این عقود بر خلاف عقود دیگر، سود ثابت و از قبل تعیین شده ای وجود ندارد. از جمله عقود که در این دسته می‌گنجد می‌توان به عقود مبتنی بر اصل مشارکت در سود^۲ [مضاربه] اصل مشارکت در سود و زبان^۳ [مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و سرمایه گذاری مستقیم] و اصل مشارکت در تولید و محصول (مزارعه و مساقات) اشاره کرد. (شعبانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰)

۱. بطور کلی وکیل وظیفه دارد به دقت مواظب رعایت مصلحت موکل خود باشد و از محل وکالت خود تعدی نکند (فرزین وش، ۱۳۸۱، ص ۵۸۶)

۲. Profit Sharing Principle: P.S.P

۳. Profit Loss Sharing Principle: P.L.S.P

از ویژگی های مهم و برجسته عقود مشارکتی، "پیوند حقیقی کار و سرمایه" و "احتیاج به نظارت و کنترل مستمر" است.^۱

۱. مضاربه

"مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می دهد، با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، "مالک" و عامل، "مضارب" نامیده می شوند

از ارکان عقد مضاربه نقدی بودن سرمایه (ماده ۵۴۷ قانون مدنی) و مشخص و معلوم بودن آن است چراکه نامعلوم بودن سرمایه موجب جهل به سود خواهد شد. (فرزین وش، ۱۳۸۱، ص ۴۵۶) همچنین سرمایه باید عین باشد. (فرزین وش، ۱۳۸۱، ص ۴۵۷) در عین حال سرمایه باید به مضارب (عامل) تسلیم شود. (همان) میزان سهم هر یک از عامل و مضارب از سودی که در مضاربه به دست می آید هم باید معلوم و مشخص باشد.

ماده ۵۴۸ قانون مدنی ایران در این باره می گوید: "این سهم باید جزء مشاعی از کل سود مانند یک چهارم یا یک سوم باشد. پس اگر مقدار معینی از سود برای عامل مقرر شود، پیمانی که بسته شده، تابع قواعد مضاربه نیست." نویسندگان حقوق مدنی، مشاع بودن سود را مقتضای ذات مضاربه دانسته اند و عقدی که در آن حصه ی عامل، مقدار معینی [نه نسبتی] از سود باشد، باطل میدانند. (فرزین وش، ۱۳۸۱، ص ۴۶۳)

احتساب سود و تعیین سهم هریک از مالک و عامل پس از انحلال و کنار گذاردن سرمایه به عمل می آید. انحلال مضاربه چه در اثر فسخ عامل یا مالک باشد و چه در اثر انفساخ، اگر تا زمان انحلال، سودی بدست آمده باشد، بر اساس شرطی که در عقد شده است سهم هر یک مشخص و تقسیم میشود و عامل باید در اولین فرصت سهم و سرمایه مالک را به او بدهد و در صورت تعدی، غاصب و ضامن خواهد بود. (فرزین وش، ۱۳۸۱، ص ۴۶۴)

در مضاربه عامل فقط در سود شریک است و در ضرر شریک نمی باشد؛ مگر آنکه در سرمایه مضاربه تعدی و تفریط کرده باشد و در این صورت ضامن خواهد بود. لکن کلا عامل، ضامن سرمایه و خسارات حاصله از تجارت نیست؛ مگر اینکه به طور لزوم در قرار داد اولیه شرط شده باشد که در صورت خسارت به سرمایه، عامل به میزان خسارت یا زیان (فقط به سرمایه) به رایگان به مالک تملیک کند.

اجرای عقد مضاربه، متقاضی تسهیلات را وارد بخش حقیقی اقتصاد می نماید چراکه او با یک کالای واقعی سرو کار دارد که شرعا و قانونا در ملکیت سپرده گزاران است و او فقط عامل و مضارب آن محسوب می شود؛ یعنی فی الواقع در ازای رد و بدل شدن وجوه، محصول هم رد و بدل شده است.

بررسی امکان ایجاد بدهی در عقد مضاربه

طبق ماده ۵ دستور العمل اجرایی مضاربه: "بانکها موظف اند قبل از انعقاد قرارداد مضاربه، عملیات موضوع مضاربه را در حد نیاز بررسی و اطمینان حاصل نمایند که اصل سرمایه و سود مورد انتظار در طول مدت مضاربه قابل برگشت است." با توجه به این ماده امکان ایجاد بدهی در این عقد را مورد بررسی قرار میدهیم.

امکان ایجاد بدهی در عقد مضاربه اگر با رعایت شرایط این عقد از سوی طرفین باشد اگر چه منتفی نیست لکن کم میباشد؛ چرا که مضاربه یک نوع مشارکت است و در این شراکت طرفین در سود شریک هستند. این نکته حائز اهمیت است که با توجه به اینکه مضاربه در تجارت صورت می پذیرد، باید عینی جهت تجارت وجود داشته باشد (حضور در بخش حقیقی اقتصاد)؛ وجود این عین از آنجا که شرعا و قانونا در ملکیت تسهیلات دهنده است (راسا یا وکالتا) خود باعث کاهش احتمال ایجاد بدهی می شود؛ چراکه می توان عملیات خرید و فروش را با نظارت مستقیم مالک انجام داد و فرضا در هر بار خرید و فروش، پول حاصل ابتدا به حساب بانکی مالک وارد شود.

۱. در این قسمت، عقود مضاربه و مشارکت مدنی بطور خاص و تفصیلی مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرند؛ مابقی عقود این دسته هم به همین منوال قابل بررسی و تشریح است.

حالت‌های مختلف عملیات مضاربه بدین شرح است:

اگر مضاربه به طور صحیح انجام شود که طرفین بنا بر قرارداد از سود حاصله نفع می‌برند و اصل سرمایه هم به مالک باز می‌گردد (در اینجا بانک است)؛ فلذا امکان ایجاد بدهی در این حالت وجود ندارد.

اگر مضاربه انجام شود و سود هم از این عقد حاصل شود، اما طرف مقابل بانک (عامل) اقدام به پرداخت سهم سود بانک و یا اصل سرمایه نکند (یا هر دو)، در حقیقت بدهی ای از جانب وی به بانک ایجاد شده است؛ فلذا در این حالت ایجاد بدهی محتمل می‌گردد.^۱ در این حالت اگر چه ابتداءً بدهی شکل گرفته است، لکن نهایتاً منجر به بدهی نمی‌شود؛ چرا که طبق ماده ۱۲ دستور العمل اجرایی مضاربه داریم: "بانک‌ها موظف‌اند برای جبران خسارت وارده بر اصل سرمایه، ضمن عقد صلح موضوع ماده ۸ این دستور العمل، از عامل تعهد کافی اخذ نمایند". پس بانک از عامل تأمین کافی اخذ کرده است و می‌تواند از طریق آن مطالبات خود را وصول کند لذا در مجموع و نهایتاً در این حالت هم ایجاد بدهی ممکن نیست.

اگر مضاربه انجام شود، لکن ضرر، حاصله‌ی این عقد باشد، فرد عامل (مضارب) بدهی ای به مالک ندارد، چرا که اساساً در ضرر شریک نیست. (مگر در شرایط خاصی) ضرری هم که در این حالت متوجه بانک می‌شود، بدهی نیست، بلکه "زیان" است و نمی‌تواند و نباید در سرفصل مطالبات و قالب بدهی قرار بگیرد و فقط از سود بانک (وکیل سپرده‌گزاران) کاسته می‌شود و در حقیقت عملیات حسابداری متفاوتی را می‌طلبد.

حالت دیگری که ابتدا امکان ایجاد بدهی در این عقد را رقم می‌زند حالتی است که در قرارداد اولیه طبق ماده ۵۵۹ قانون مدنی مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف، مجاناً به مالک تملیک کند. ماده ۵۵۹ می‌گوید: "اگر شرط شود که مضارب ضامن سرمایه خواهد بود و یا خسارات حاصله از تجارت متوجه مالک نخواهد بود، عقد باطل است مگر اینکه به طور لزوم شرط شده باشد که مضارب از مال خود به مقدار خسارت یا تلف^۲ مجاناً به مالک تملیک کند"

بنابراین ماده اگر مضاربه انجام شد و اصل سرمایه تلف شد یا نقصان پیدا کرد، اگر از قبل شرط شده باشد، ضرر و زیانی متوجه بانکها نیست. (این موضوع و رای بحث تفریط یا تعدی^۳ از سوی عامل است، چراکه اگر چنین اتفاقاتی هم نیفتاده باشد، شرط فوق‌الذکر در قراردادها گذاشته می‌شود). بانک حتی در اصل سرمایه هم ضرری نخواهد کرد و از این حیث هم نگرانی ندارد. البته در این حالت اگر چه بعد از اتمام عقد مضاربه امکان و احتمال ایجاد بدهی از طرف عامل به بانک وجود دارد، بدین صورت که عامل به میزان خسارت یا تلف در اصل سرمایه (طبق شرطی که در قرارداد اولیه کرده بود)، مالی را به تملیک بانک در نیاورد و در حقیقت به شرط عمل نکند. باید توجه شود که با استفاده از بعضی موارد قانونی امکان ایجاد بدهی از این حالت هم گرفته شده است. طبق ماده ۱۲ دستور العمل اجرایی مضاربه "بانک‌ها موظف‌اند برای جبران خسارت وارده بر اصل سرمایه، ضمن عقد صلح موضوع ماده (۸) این دستور العمل، از عامل تعهد کافی اخذ نمایند"؛ لذا در این حالت هم امکان ایجاد بدهی از بین می‌رود.

اگرچه پذیرفتنی است که استفاده از تأمین‌ها هزینه‌بر است، لکن به طور معمول میزان تأمین‌ها از اصل سرمایه بیشتر است و همچنین هزینه‌های جانبی این موضوع بر عهده عامل خواهد بود.

۱. همان‌طور که گفته شد اگر عملیات دریافت و پرداخت توسط خود بانک (مالک) صورت بپذیرد و بانک در تمام مراحل نظارت مستقیم و کامل داشته باشد (که عقلاً و قانوناً هم چنین امری لازم است) چنین احتمالی نیز منتفی می‌گردد. این موضوع به نوعی در تبصره ماده ۱۰ دستور العمل اجرایی مضاربه آمده است. این تبصره می‌گوید: "حساب عملیات بانکی ناشی از اجرای معاملات مضاربه، نزد بانک تأمین‌کننده سرمایه متمرکز خواهد شد. در صورتی که سرمایه نقدی توسط چند بانک تأمین شده باشد؛ حساب عملیات بانکی مذکور نزد یک بانک به انتخاب بانک‌های تأمین‌کننده سرمایه متمرکز خواهد شد"

همچنین طبق بخشنامه شورای پول اعتبار به شماره نب/۳۷/۲۷۶ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲ که حاصل از پانصد و چهل و نهمین جلسه شورا است؛ نگهداری حساب جداگانه برای عقد مضاربه و همچنین نظارت کامل و مستمر بانک بر اجرای شرایط قرارداد مضاربه و گنجاندن شرط نظارت کامل در قرارداد مربوط، برای بانک‌ها الزامی است.

۲. توجه شود که قانون‌گذار فقط اصل سرمایه را مورد توجه و منظور قرار داده نه سود مورد انتظار بانکها.

۳. ماده ۵۵۶ قانون مدنی: "مضارب در حکم امین است و ضامن مال مضاربه نمی‌شود مگر در صورت تفریط یا تعدی."

۴. ماده ۸: "سایر هزینه‌های متعلقه به معامله یا معاملات موضوع مضاربه، با مصالحه طرفین به عهده عامل خواهد بود."

یکی از مواردی که می‌تواند از ایجاد بدهی جلوگیری کند بحث نظارت است. نظارت در بانکداری ایران به جز این که از لحاظ عقلانی و اقتصادی امری موجه و لازم است؛ در پاره ای از مواد قانونی برای بانک‌ها تکلیف شده و امری لازم الاجراست. طبق ماده ۱۰ دستور العمل اجرایی مصوب شورای پول و اعتبار، بانک‌ها مکلف هستند بر مصرف سرمایه نقدی (منابع) و برگشت آن و همچنین، بر عملیات اجرایی مضاربه، نظارت کافی به عمل آورند و طبق تبصره این ماده، حساب عملیات بانکی ناشی از اجرای معاملات مضاربه، نزد بانک تامین کننده سرمایه متمرکز خواهد شد.

در مجموع امکان ایجاد بدهی از بابت مضاربه بسیار کم است و می‌توان گفت طبق قوانین جاری، امکان ایجاد بدهی در عقد مضاربه با عنایت به قانون بانکداری بدون ربا و دستور العمل‌ها و ... وجود ندارد.

مشارکت مدنی^۱ - ۲

از دیگر عقود مورد بررسی در بخش الف، مشارکت مدنی است که طبق ماده ۱۸ آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا عبارت است از: "در آمیختن سهم شرکتی و یا غیر نقدی به اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد، به نحو مشاع به منظور انتفاع طبق قرارداد"

باید توجه شود که مشارکت مدنی پس از اتمام موضوع شرکت، تسویه و مرتفع می‌شود. (ماده ۴ دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی) همچنین اموال مشارکت مدنی در طول مدت مشارکت عندالزوم به تشخیص بانک، بیمه می‌شوند. (ماده ۱۵ دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی)

بر اساس ماده ۵ دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی "بانک‌ها موظف اند؛ قبل از مبادرت به انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، عملیات موضوع مشارکت را بررسی و اطمینان حاصل نمایند که اصل مال شرکتی و سود مورد انتظار ناشی از مشارکت مدنی، در طول مدت قرار داد قابل برگشت و مشارکت قابل تسویه باشد"^۳.

با فرض اینکه متقاضی تسهیلات، واجد شرایط اخذ تسهیلات در قالب مشارکت مدنی باشد، بانک و متقاضی تسهیلات با هم شریک می‌شوند و احکام و قوانین شراکت لازم الاجرا می‌گردد.

بررسی امکان ایجاد بدهی در عقد مشارکت مدنی

اگر موضوع مشارکت مدنی با موفقیت اجرا شده و به پایان برسد، بنابر قرارداد اولیه، بانک سهم سود خود را کسب کرده و اصل سهم شرکتی خود را هم به طریقی (مثل فروش اقساطی به متقاضی تسهیلات) دریافت می‌کند لذا در این حالت امکان ایجاد بدهی وجود ندارد.

اگر مشارکت مدنی انجام شود، لکن "زیان"، حاصله ی این عقد باشد، شخصیت شریک بانک (متقاضی تسهیلات) بدهی‌ای به شریک دیگر ندارد، چرا که عقد به طور صحیح انجام شده است (با فرض اعطای سهم بانک (از اصل سرمایه) آن قدر که در حالت زیان موجود است) و هر دو طرف معامله ضرر کرده اند و کسی از دیگری مطالبه ای نمی‌تواند داشته باشد. این موضوع به صراحت در ماده ۵۷۶ قانون مدنی ذکر گردیده است: "هر یک از شرکاء به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می‌باشد مگر این که برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد". در این حالت نیز برای بانک امکان ایجاد بدهی وجود ندارد چرا که در یک عقد مشارکتی، زیان دیده و رقمی در سر فصل مطالبات قرار نخواهد گرفت و تنها از سود بانک کاسته شده است. ماده ۵۸۴ قانون مدنی نیز تلویحا به عدم ایجاد بدهی اشاره دارد: "شریکی که مال شرکتی در ید

۱. یعنی تابع ضوابط و قوانین مدنی است؛ توجه شود که شرکت مدنی برخلاف شرکت حقوقی به ثبت نمی‌رسد.

۲. Civil partnership

۳. قانون گذار بانک را قبل از اعطای تسهیلات مشارکت مدنی "موظف" کرده است که عملیات موضوع مورد مشارکت را بررسی کند و این امری انتخابی نیست و این موضوع در همه عقود وجود دارد. این عمل خود به معنی "کاهش احتمال ایجاد بحث بدهی" در عقود است و به این امر بسیار کمک میکند.

اوست در حکم امین است و ضامن تلف و نقص آن نمی‌شود مگر در صورت تعدی^۱ حالت دیگر این است که موضوع مشارکت مدنی تحقق پیدا کند و سود هم از این عقد حاصل شود، لکن گیرنده تسهیلات، اقدام به پرداخت سهم سود یا اصل سهم شرکت بانک نکند (با مقداری از آنها را)؛ در این حالت نیز ذاتا امکان ایجاد بدهی وجود نخواهد داشت؛ از دو جهت :

۱- بانک در فعالیت انجام شده شریک است، فلذا اگر فعالیت فرضا ساختمان، کارخانه یا ... بوده باشد، بانک مالک عینی است و در بخش حقیقی اقتصاد چیزی را مالک است و کسی نمیتواند عین را از وی دریغ کند، چرا که از ابتدای شراکت فرضا کارخانه به نسبت سهم ها یشان به نام بانک و متقاضی تسهیلات بوده است یا کلا به نام بانک بوده است؛ البته تبدیل به نقد شدن بحث دیگری است؛ به زبان دیگر اموال بانک و گیرنده تسهیلات به صورت مشاع وجود دارد.

۲- ماده ۱۴ دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی اشعار میدارد: "بانک ها می‌توانند جهت حصول اطمینان از حسن اجرای قرار داد مشارکت مدنی خود، از طرف مقابل در قرار داد تامین کافی اخذ نمایند". لذا اخذ تامین و وثیقه که معمولا بیش از میزان سهم شرکت هم هست، نهایتا ضامن ایجاد نشدن بدهی در صورت تخلف متقاضی تسهیلات از وظایف خود است. البته متقاضی تسهیلات در این حالت مدیون هست لکن با شرایط مذکور و این بحث که شراکتی در بخش حقیقی اقتصاد وجود دارد در نهایت بدهی ای به وجود نمی‌آید. همچنین در این حالت در صورت ارجاع به مراجع قضایی تمام هزینه ها اعم از دادرسی، دادخواست، وکیل و ... به عهده متشاکمی خواهد بود و چیزی بر عهده بانک نیست.

در حالت دیگر اگر کل مال شرکت تلف شود، به شرط آن که طبق ماده ۵۸۴ قانون مدنی تعدی ای صورت نپذیرفته باشد، متقاضی تسهیلات ضامن پرداخت سهم شرکت بانک نیست و اساسا بدهی ای هم بوجود نمی‌آید چرا که مال تلف شده و اصلا کسی به دیگری بدهکار نیست و رابطه داین و مدیون برقرار نمی‌شود؛ اگر هم متقاضی تسهیلات تعدی یا تفریطی کرده باشد، ضامن است و بانک می‌تواند از آنچه که در بخش حقیقی اقتصاد برای شراکت وجود داشت، مطالبات خود را وصول کند. گذشته از همه این موارد، حتی در صورت تلف شدن مال شرکت، ضرری متوجه اصل سهم شرکت بانک نخواهد شد چرا که طبق ماده ۱۵ دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی: "بانکها ترتیبی اتخاذ خواهند نمود تا عند الزوم به تشخیص بانک، اموال مشارکت مدنی در طول مدت مشارکت بیمه شود."

همچنین طبق ماده ۵ دستور العمل اجرایی مشارکت مدنی بانکها مکلف و موظف شده اند که قبل از اعطای تسهیلات جهت کاهش ریسک ایجاد زیان و ... نظارت و اقدامات کافی و لازم را به عمل آورند که این خود ایجاد بدهی را بلا موضوع می‌کند. ماده ۵: "بانکها موظف اند، قبل از مبادرت به انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، عملیات موضوع مشارکت را بررسی و اطمینان حاصل نمایند که اصل مال شرکت و سود مورد انتظار^۲ ناشی از مشارکت مدنی، در طول مدت قرارداد قابل برگشت و مشارکت قابل تسویه باشد."

ب- قراردادهایی که بازدهی ثابت دارند (مبتنی بر سود ثابت)

در این نوع عقود، سود قبل از انجام فعالیت اقتصادی تعیین میشود و از این حیث با دو مورد دیگر (موارد الف و ج) متمایز شده است. در این قسمت دو عقد فروش اقساطی و اجاره وجود دارند که تنها مورد فروش اقساطی بطور نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که این عقود نیز همواره در بخش حقیقی اقتصاد واقع میشوند و در هر یک از این عقود لزوما محصولی در بخش واقعی اقتصاد مبادله خواهد شد.

۱. طبق ماده ۱۵ دستور العمل اجرایی امکان عدم زیان در اصل مال شرکت بانک با استفاده از بیمه وجود دارد که البته مربوط به اصل عدم ایجاد بدهی در این حالت نمی‌شود، و موضوعی ورای این مهم است.

۲. توجه شود که طبق شرع و قانون بحث سود مورد انتظار موضوعی الزام آور نیست، بلکه فقط جنبه پیش بینی دارد، و تعهدی برای شرکاء ایجاد نمیکند.

فروش اقساطی: ۱-۲

خرید و فروش که اصطلاحاً بیع^۳-^۴ نامیده میشود، یکی از صور مشروع معاملات بوده و عبارت است از: شخصی (فروشنده) در مقابل مالی (ثمن) که از دیگری (خریدار) میگیرد، مال خود را (مبیع) به دیگری تملیک کند و او نیز به تملیک خود درآورد. (بانکداری داخلی، سررشته، ص ۱۶۷)

فروش اقساطی نوعی بیع و در حقیقت همان "بیع نسبه" است. بیع نسبه بیعی است که مبیع و ثمن در ذمه باشد و برای تادیه آن مدتی معین شده است. در اینجا به بیع نسبه فروش اقساطی می گوئیم از این جهت که پرداخت وجه محصول مبادله شده در ذمه و بر گردن شخص خریدار است که قرار شده به صورت اقساط آن را به فروشنده پرداخت کند. بیع نسبه می تواند به صورت دفعی انجام شود و یا به صورت تدریجی و اقساطی (طبق توافق) در قسط های متعدد (مساوی یا غیر مساوی) پرداخت گردد. حالت دوم در اصطلاح نسبه اقساطی نام دارد که در اینجا این مورد مد نظر میباشد. طبق ماده ۴۷ آئین نامه فصل سوم قانون بانکداری بدون ربا، فروش اقساطی عبارت است از: "واگذاری عین^۵ به بهای معلوم به غیر، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سر رسیدهای معین دریافت گردد."

در معاملات فروش اقساطی، عامل مهم، تعهد متقاضی بر خرید و مصرف اموال مورد تقاضا می باشد و بانکها مطلقاً از خرید اموال بدون وجود متقاضی و تعهد او، به قصد فروش یا نگهداری آنها منع شده اند، لذا بلافاصله پس از خرید باید اموال خریداری شده در اختیار متقاضی قرار گیرد. (سررشته، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳)

توجه شود که در فروش اقساطی مالکیت کالا بلافاصله پس از انعقاد قرارداد به مالکیت خریدار در می آید.^۶ در فروش اقساطی، کالای فروخته شده یا دارایی دیگر - که در عمل ارزشی به مراتب بالاتر از تسهیلات اعطا شده دارد - به عنوان ضمانت باز پرداخت سرمایه و سود آن از خریداران کالا اخذ می شود. اموالی که بدین ترتیب، به عنوان ضمانت پرداخت سرمایه و سود آن در دفاتر اسناد رسمی مطابق تشریفات ثبت می گردند، رهن^۷ نامیده می شوند. (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۵۷)

پس کالایی که به خریدار تحویل شده به ملکیت متقاضی تسهیلات در می آید لکن در رهن بانک باقی می ماند؛ تا زمانی که شخص گیرنده تسهیلات به تمام تعهدات خود عمل نموده و همه اقساط خود را پرداخت نماید؛ آنگاه کالا از رهن بانک خارج خواهد شد. (ماده ۹ دستور العمل اجرایی فروش اقساطی مسکن)

بنا بر ماده ۱۱ دستور العمل اجرایی فروش اقساطی مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار: "بانکها ترتیبی اتخاذ خواهند نمود تا عند الزوم وثایق دریافتی از بابت معاملات اقساطی (اعم از اینکه این وثایق اموال موضوع معامله اقساطی و یا غیر آن باشد) همه ساله در طول مدت اجرای قرار داد، حداقل به میزان مانده مطالبات خود بیمه شود." این تاکیدات حتی در خصوص معاملاتی که مصرف انحصاری یا محدود دارند هم مورد ملاحظه قرار گرفته است: "در مواردی که اموال موضوع معاملات این

۱. Installment sales

۲. از منظر دیگر فروش اقساطی یک نوع بیع مرابحه است و در حقیقت زیر مجموعه آن.

بیع مرابحه از زمان های قدیم بین مردم رایج بوده و مقصود از آن بیعی است که فروشنده قیمت تمام شده کالا شامل قیمت خرید، هزینه های حمل و نقل و نگهداری و هزینه های دیگر مرتبط را به اطلاع مشتری می رساند، سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود میکند. (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۳، ۳۰۳) تفضیل این موضوع در این مقال نمی گنجد. (مراجعه شود به مقاله مرابحه در اقتصاد اسلامی با نگرش ویژه به بانکداری از محمد اکبری، مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی، (در دست چاپ))

۳. طبق ماده ۳۳۸ قانون مدنی، بیع یعنی: تملیک عین به عوض معلوم.

۴. Sale

۵. محصول (کالا و خدمات).

۶. شاهد این موضوع ماده ۹ دستور العمل اجرایی فروش اقساطی است؛ در این ماده گفته شده که بانک ها شش دانگ واحد مسکونی را تا وصول کلیه مطالبات بانک بانک در وثیقه خود نگاه دارند. ذکر اینکه موضوع فروش اقساطی در وثیقه برود یعنی ملکیت آن قبلاً اعطا شده است؛ و چون شخص تسهیلات گیرنده مالک موضوع تسهیلات بوده بانک اقدام به وثیقه گیری کرده است.

۷. طبق ماده ۷۷۱ قانون مدنی: "رهن عقدی است که به موجب آن، مدیون، مالی را برای وثیقه به داین می دهد. رهن دهنده را رهن و طرف دیگر را مرتهن می گویند." (منصور، قانون مدنی، ص ۱۳۲)

دستور العمل، مصرف انحصاری و یا محدود داشته باشد و یا در اثر نصب و بهره برداری، استفاده مجدد از آن مقرون به صرفه نباشد، بانک علاوه بر وثیقه گرفتن اموال موضوع معاملات، مبادرت به اخذ وثیقه اضافی نیز خواهد نمود." (تبصره ماده ۱۴ دستور العمل اجرایی فروش اقساطی وسایل تولید، ماشین آلات، وسایل حمل و نقل، کالای مصرفی با دوام ساخت داخل کشور و تاسیسات)

بررسی امکان ایجاد بدهی در فروش اقساطی:

با فرض اینکه قرارداد فروش اقساطی به طور صحیح انجام شود و شخص گیرنده تسهیلات به موقع اقساط خود را بپردازد، امکان ایجاد بدهی وجود ندارد و در نهایت وثایق نیز آزاد خواهد شد و کالایی هم در رهن نخواهد ماند. اگر قرارداد انجام شود لکن شخص مبادرت به پرداخت بدهی خود که در قالب اقساط است نکند، این موضوع اگر ادامه دار شود و محرز شود که فرد نمیخواهد و یا نمیتواند بدهی خود را بپردازد، از آنجایی که محصولات موضوع فروش اقساطی در رهن بانک است (و یا حتی وثایق بیشتر نزد بانک وجود دارد) شخص نمی تواند اقدام به فروش محصولات کند؛ فلذا در این شرایط بانک می تواند مالی را که در رهن دارد باز پس گیرد و یا وثایق مربوط را پس از طی مراحل قانونی به ملکیت خود درآورده و نهایتاً نقد کند؛ شایان ذکر است که معمولاً میزان وثایق بیش از موضوع فروش اقساطی است فلذا هزینه های جانبی هم قابل پوشش خواهد بود اگر چه قانوناً نیز این هزینه ها بر عهده بدهکار خواهد بود؛ لذا در مجموع امکان ایجاد بدهی از سوی متقاضیان تسهیلات به بانک تسهیلات دهنده، وجود نخواهد داشت و عقد فروش اقساطی در بانک ها ذاتاً و ماهیتاً بدهی ساز نیست. این بحث در کالاهای با دوامی چون مسکن با قطعیت بیشتری قابل ذکر است.

ج- قراردادهایی که بازدهی متغیر دارند (مبتنی بر سود غیر ثابت)

در این نوع عقود سود مورد نظر متغیر است. در این قسمت دو نوع عقد سلف^۱ -^۲ و جعاله وجود دارند که عقد سلف از حیث امکان ایجاد بدهی مورد بررسی قرار می گیرد.

طبق ماده ۴۰ آئین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، سلف عبارت است از: "پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین... (با توجه به ضوابط شرعی)"

اصطلاح سلم یا سلف در جایی به کار می رود که ثمن نقد و مبیع کلی در ذمه باشد نه عین معین^۳. در این شیوه تأمین مالی، درآمد حاضر به صورت نقد به متقاضی منابع در مقابل درآمد آتی او - که به شکل کالا است - واگذار می شود. (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۵۷)

بر اساس ماده ۱۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا^۴: "بانکها میتوانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحد های تولیدی، به هر یک از عملیات ذیل مبادرت نمایند: الف- ... ب- آن قسم از تولیدات این واحد ها را که سهل البیع باشد بنا بر درخواست آنها پیش خرید نمایند."

طبق ماده ۴ دستور العمل اجرایی سلف طی این عقد "بانک ها مکلف اند قبل از انعقاد قرارداد معاملات سلف با بررسی های لازم از تحویل محصول یا محصولات مورد معامله در سررسید مربوط اطمینان حاصل نمایند." پس از ارائه درخواست از سوی متقاضی تسهیلات (اعم از شخصیت حقیقی یا حقوقی)، بانک کالای وی را از او پیش خرید

۱. سلف از آن حیث جزء عقود با بازدهی متغیر (مبتنی بر سود غیر ثابت) محسوب می شود که تا زمانی که کالای پیش خرید شده توسط خریدار دریافت نشود و وی نیز آن کالا را نفروشد، میزان سود معین نخواهد بود. (میزان سود برابر است با اختلاف بین قیمت پیش خرید و قیمتی که در آتی، خریدار اولیه می خواهد کالا را بفروشد)

۲. Forward

۳. به این دلیل که اصلاً عین معین وجود ندارد؛ چرا که احتمالاً هنوز تولید یا تهیه نشده است.

۴. ذکر این ماده به این دلیل است که واژه گان سلف یا سلم عیناً در قانون عملیات بانکی بدون ربا ذکر نشده لکن در مواد متعدد به موضوع پیش خرید که همان سلف یا سلم می باشد، اشاره گردیده است.

نموده و مبلغ آن را به صورت نقدی و یک جا به او پرداخت می نماید؛ در این بین متقاضی تسهیلات تعهد می کند، کالایی را که اوصاف آن در متن قرارداد سلف مشخص شده، در تاریخ معین به بانک واگذار نماید. ملاحظه می شود در صورتی که متقاضی تسهیلات در موعد مقرر کالای تولید شده را به بانک بدهد (یا به وکالت از بانک آن را بفروشد و مبلغ آن را به بانک بدهد) امکان ایجاد بدهی وجود نخواهد داشت. لکن اگر به هر دلیلی اعم از امتناع از تحویل محصول به بانک یا عدم توانایی تولید یا تهیه کالای پیش فروش شده، نتواند به تعهدات خود عمل کند، در اینجا امکان ایجاد بدهی وجود دارد؛ چرا که اصلتا این عقد بگونه ای است که ابتدأً عینی وجود ندارد که بانک بتواند آن را به رهن یا تملیک خود در آورد و یا همچون عقود مشارکتی نیست که بانک شریک باشد؛ لکن نکته قابل توجه این است که موارد متعددی به بانک تکلیف شده که نهایتاً امکان ایجاد بدهی را از بین خواهد برد. دستور العمل های اجرائی جهت ایجاد اطمینان برای بانک، به آنها اخذ تامین کافی و وثیقه را تکلیف کرده است؛ تا اگر به هر دلیلی متقاضی نتوانست و یا نخواست از طرق عادی بدهی خود را بپردازد؛ بانک از این طریق بدهی خود را وصول کند. (ماده ۱۱ دستور العمل اجرایی سلف)

آسیب شناسی ادله ایجاد بدهی در نظام بانکی کشور

در این بخش بر آن هستیم تا با نگاه به واقعیات، علت یا علت های ایجاد بدهی و مطالبات را در نظام بانکی ایران بیابیم. جهت یافتن این مهم، سناریو های محتمل مشهوری را که در مراکز و مقالات علمی مطرح میشود مورد بررسی و واکاوی قرار میدهیم و با استدلال منطقی سعی داریم تا دلیل اصلی (علت العلل) ایجاد معوقات را در نظام بانکی ایران بیابیم. فرض ما این است که نظام بانکی ایران کاملاً بر اساس اصول قانون عملیات بانکی بدون ربا طرح ریزی و اجرا شده است. این سناریو ها بدین شرح هستند:

۱. اجرای بانکداری بدون ربا موجب ایجاد بدهی و معوقات شده است.
۲. بحث ریسک اعتباری و عدم اعتبار سنجی مناسب باعث ایجاد بدهی و معوقات شده است.
۳. پائین بودن نرخ سود تسهیلات بانکی نسبت به تورم باعث ایجاد بدهی و معوقات شده است.
۴. شرایط نامساعد اقتصادی باعث ایجاد بدهی و معوقات بانکی شده است.

۱) آیا اجرای بانکداری بدون ربا باعث ایجاد این حجم از معوقات و بدهی در نظام بانکی ایران شده است؟

در قسمت های قبل چگونگی عملکرد بانکداری بدون ربا با رویکرد ایجاد بدهی، مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت و همانطور که استدلال شد در عقود بخش "الف" (قرار داد های مبتنی بر سهم بری (مشارکت)) نوعاً امکان ایجاد بدهی وجود ندارد؛ چرا که اصولاً عقود مشارکتی مبتنی بر بخش حقیقی اقتصاد هستند و عینی را در جهان واقع دارند که نمی توان آن را از بانک سلب کرد.

این موضوع در مصادیق عقود مشارکتی همچون مضاربه و مشارکت مدنی دیده شد.^۱ در بعضی موارد محدود و البته کوچک (از لحاظ بدهی سازی) نیز که احتمال ضعیفی جهت ایجاد بدهی وجود دارد؛ تامین ها و وثایق نهایتاً از این مهم جلوگیری خواهند کرد.

در بخش "ب" (قراردادهایی که بازدهی ثابت دارند (مبتنی بر سود ثابت)) ذاتاً امکان ایجاد بدهی وجود ندارد؛ چراکه در این نوع عقود در بخش حقیقی اقتصاد، کالایی که در قالب این عقود مبادله شده است تا تسویه نهایی بدهی توسط گیرنده تسهیلات، در ملکیت یا رهن بانک خواهد ماند.

۱. شاید گفته شود که در ایران تا زمان اتمام پروژه، قرار داد به صورت مشارکتی است و بعد از آن به عقود دیگر مثل فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک تبدیل می گردد؛ لکن این موضوع خللی در استدلال ما وارد نمی کند چراکه در این نوع عقود ذاتاً امکان ایجاد بدهی وجود ندارد یا بسیار ضعیف است و این امر مهر تأیید دوباره ای بر ادعای ما خواهد بود.

در بخش "ج" (قراردادهایی که بازدهی متغیر دارند(مبتنی بر سود غیر ثابت)) اصلتا امکان وجود بدهی هست؛ لکن با عنایت به وثایق و تأمین ها که مبتنی بر آئین نامه ها و دستور العمل های جاری هستند، نهایتا بدهی ای به وجود نخواهد آمد.^۱

فلذا در مجموع این سناریو که بانکداری بدون ربا باعث ایجاد بدهی در نظام بانکی ایران شده است، رد می گردد چراکه با عنایت به عقود، در مجموع امکان ایجاد بدهی وجود نداشت. همچنین بر اساس این استدلال، فرض ما نیز نقض می شود.

۲) آیا عدم توجه به اعتبار سنجی و بحث ریسک اعتباری باعث این حجم از معوقات و بدهی در نظام بانکی شده است؟

شبهه بانکی	بانکهای تجاری		بانکهای تخصصی		بانکهای غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی	
	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۴
فروش اقساطی	۴۶/۴	۴۷/۵	۶۳/۲	۶۵/۸	۴۲/۶	۲۱/۲
مضاربه	۷/۴	۸/۱	۲/۷	-/۹	۱۲/۳	۱۷/۵
مشارکت مدنی	۱۱/۵	۱۲/۳	۱۲/۸	۱۳/۱	۶/۸	۳۰/۱
قرض الحسنه	۵/۹	۴/۶	۲/۲	۲/۲	۰/۳	۰/۴
اجاره به شرط تملیک	۱/۱	۱/۱	۱/۴	۱/۴	۲۰/۴	۱۴/۰
معاملات سلف	۶/۷	۶/۸	۳/۲	۲/۵	۱/۲	۰/۲
مشارکت حقوقی	۲/۳	۱/۷	۳/۲	۲/۲	۱/۷	۱/۶
سرمایه گذاری مستقیم	۱/۴	۱/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۴	۱/۱
جماله	۷/۳	۶/۱	۱/۵	۱/۳	۱۰/۳	۶/۶
سایر(۲)	۱۰/۰	۱۰/۵	۸/۸	۱۰/۵	۴/۰	۷/۳
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۱- شامل سود و درآمد سالهای آتی می باشد. ۲- شامل آمار خرید دین، مطالبات سررسید گذشته و معوق و اموال موضوع معاملات می باشد.

شبهه بانکی	بانکهای تجاری		بانکهای تخصصی		بانکهای جدیداً غیردولتی شده (۱)		کل بانکهای غیردولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی	
	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۸۸
فروش اقساطی	۲۵/۲	۲۲/۹	۶۵/۰	۲۷/۲	۲۴/۵	۲۴/۶	۲۴/۲	۲۴/۲
مضاربه	۶/۱	۵/۵	۰/۶	۰/۹	۳/۷	۲/۲	۶/۷	۶/۰
مشارکت مدنی	۱۵/۰	۱۸/۵	۱۷/۳	۳۹/۱	۲۲/۴	۲۱/۰	۲۸/۰	۲۵/۲
قرض الحسنه	۵/۹	۶/۲	۲/۸	۲/۳	۵/۸	۶/۳	۹/۵	۹/۳
اجاره به شرط تملیک	۰/۴	۱/۰	۰/۵	۰/۵	۱/۱	۰/۸	۱/۶	۰/۸
معاملات سلف	۲/۶	۲/۲	۱/۴	۰/۸	۱/۰	۰/۱	۰/۶	۰/۷
مشارکت حقوقی	۲/۳	۱/۸	۰/۶	۰/۲	۱/۱	۱/۵	۱/۵	۱/۵
سرمایه گذاری مستقیم	۱/۱	۰/۹	۰/۲	۰/۲	۰/۵	۰/۷	۰/۷	۰/۷
جماله	۷/۵	۹/۷	۱/۴	۱/۷	۲/۴	۵/۴	۲/۷	۲/۶
سایر(۲)	۲۴/۰	۲۱/۲	۹/۵	۶/۷	۱۳/۷	۱۶/۰	۱۶/۳	۱۸/۲
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۱- از اسفند ماه ۱۳۸۸ چهار بانک صانرا، تجارت، ملت و رفاه از ردیف بانکهای تجاری دولتی خارج و در ردیف بانکهای جدیداً غیردولتی شده طبق بندی شده اند. ۲- شامل آمار خرید دین، مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول و اموال موضوع معاملات می باشد.

هر بخش مالی از جمله بانکها می بایست تحت یک نظام کامل و جامع تشخیص اعتباری، فعالیت های خود را انجام دهند تا میزان واقعی ریسک اعتباری مربوط به یک گیرنده تسهیلات یا طرف تجاری خود را جهت جلوگیری از بد گزینی (Adverse selection) به حداقل رسانند (بولحسینی و حسینی مقدم، ۱۳۸۷)

این امر یک بحث مبرهن است که باید قبل از اعطای تسهیلات، اعتبار گیرنده آن سنجیده شده و محرز شود؛ و قطعاً این اقدام از بروز بعضی از مشکلات بعدی در حوزه بانکی جلوگیری خواهد کرد؛ لکن نمی توان گفت که دلیل اصلی ایجاد بدهی

۱. ترکیب تسهیلات اعطایی به تفکیک عقود جالب توجه است؛ چرا که طبق جداول زیر که عیناً از "گزارش اقتصادی و ترازنامه" سالهای ۸۵ و ۸۹ به عنوان نمونه استخراج شده؛ در آن بخش از سهم تسهیلات اعطایی که آمار آن در دسترس بود، سهم تسهیلات اعطایی از عقودی که قطعیت بسیار زیادی در ایجاد نشدن بدهی دارند نسبت به سایر عقود مانند عقود با بازدهی متغیر(مبتنی بر سود غیر ثابت) بسیار بیشتر است و در حقیقت قاطبه تسهیلات در این نوع عقود بوده است.(همچون دیگر سالها)(منبع: سایت بانک مرکزی)

در نظام بانکی ایران که دارای "قانون عملیات بانکی بدون ربا" است این موضوع بوده، چراکه اولاً همان طور که در بررسی عقود دیده شد احتمال وقوع بدهی بر اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا بسیار ضعیف است فلذا با اجرای چنین قانونی این حجم و نسبت از بدهی منطقی و معقول نیست (به فرض اول بحث توجه شود)، مگر آنکه عقود و قوانین قانون عملیات بانکی بدون ربا بدرستی یا اصلاً اجرا نشده باشد در ثانی نکته ظریف دیگر این است که اصولاً بحث اعتبار سنجی در بانکداری بدون ربا یک تکلیف، الزام و وظیفه است و نه یک انتخاب و نوعی راهکار. همان طور که قبلاً هم توضیح داده شد، در نظام بانکی بدون ربا، بانک به "وکالت" از سپرده گزاران اقدام به اعطای تسهیلات می کند. مهمترین وظیفه و تعهد وکیل حفظ منافع موکل خود است؛ پس چگونه ممکن است که طبق بانکداری بدون ربا که تسهیلات دهی آن مبتنی بر رابطه وکیل و موکلی است، بانک بدون تحقیق و اطمینان از احراز شرایط مناسب با توجه به نوع و موضوع عقد و قرارداد درباره شخصی که تقاضای تسهیلات کرده اقدام به تسهیلات دهی کند؟ قطعاً در یک نظام بانکی بدون ربا از آنجا که بانک وکیل سپرده گزاران است باید از هر عملی که احتمال نامعقولی مبنی بر ضرر به موکلان (سپرده گزاران) دارد دوری جسته و هر اقدامی که احتمال معقولی مبنی بر جلوگیری از ضرر دیدن سپرده گزاران ایجاد می کند انجام دهد. به زبان دیگر، در صورت تسهیلات دهی بدون بررسی شرایط متقاضی تسهیلات، پرداخت تسهیلات از سوی بانک به عنوان وکیل موکلان خود نوعی خیانت محسوب می شود، چرا که موکل به وظیفه خود به درستی عمل نکرده است و شرایط عقد وکالت را انجام نداده است. نهایتاً می توان گفت که بحث اعتبار سنجی حتی قبل از این که در علوم اقتصادی و بانکی متعارف مطرح شود همواره در بطن بانکداری بدون ربا وجود داشته که این نکته ای حائز اهمیت و البته مغفول است.

در مجموع بحث اعتبار سنجی اگر چه می تواند از بخشی از مشکلات جلوگیری کند لکن نمی تواند دلیل اصلی این حجم از مطالبات بانکی در ایران باشد (جدای از این موضوع که اگر بانکداری بدون ربا عملی شده بود؛ الزاماً اعتبار سنجی هم انجام می شد و این موضوع یک الزام بود نه راهکار جهت جلوگیری از ایجاد بدهی)؛ در نتیجه این سناریو نیز به عنوان دلیل، قابل پذیرش نیست؛ همچنین با عنایت به استدلال های فوق این سناریو با فرض اولیه ما همخوان نیست و توأمان قابل پذیرش نیستند.

۳) آیا پائین بودن نرخ سود تسهیلات بانکی نسبت به تورم باعث بروز این حجم از بدهی و معوقه شده است؟

عده ای معتقد هستند که دلیل این حجم از معوقات بانکی تعیین دستوری سود بانکی، آن هم پائین تر از نرخ تورم است. استدلال این افراد بدین شکل است که به عنوان مثال وقتی کسی با نرخ ۲۰ درصد، تسهیلاتی تحت هر عنوانی از بانک دریافت می کند و هم زمان نرخ تورم سالانه فرضاً برابر ۳۵ درصد است، برای گیرنده تسهیلات صرف می کند (از لحاظ اقتصاد متعارف معقول است) که به باز پرداخت بدهی خود اقدام نکرده و آن را به تاخیر بیندازد (چرا که انگار منفی پانزده درصد سود به بانک می دهند به این دلیل که نرخ سود اسمی ۲۰ درصد است و نرخ سود واقعی که برابر است با نرخ سود اسمی منهای نرخ تورم منفی ۱۵ درصد است)؛ در حقیقت در این وضعیت هر چه بدهی را دیرتر پرداخت کند از ارزش واقعی آن کاسته شده و انگار که با مبلغ کمتری اقدام به تسویه بدهی خود می کند.^۱

فارغ از بحث جریمه دیرکرد که خود می تواند ابزاری جهت جلوگیری از این موضوع باشد به نظر می رسد که مدعیان این سناریو در بهترین حالت بین دو بحث "سود" و "بهره" خلط کرده اند.

بهره در حقیقت قیمت پول است که در بازار پول تعیین می شود و حاصل مکانیزم عرضه و تقاضای پول است؛ (پول به عنوان یک کالا در نظر گرفته می شود) لکن سود ماهیتاً متفاوت از بهره است. سود به معنای تفاوت درآمد از هزینه است نه نقطه تعادل حاصل از عرضه و تقاضای پول. در سود بحثی به عنوان قیمت پول وجود ندارد؛ سود امری متغیر است و به شرایط اقتصادی، مدیریتی و ... هر پروژه یا شرایط خرید و فروش در هر معامله و ... بستگی دارد.

۱. منظور مدعیان این سناریو این است که تسهیلات گیرندگان پول ارزان دریافت کرده اند که بحث "پول ارزان" جایی در بانکداری بدون ربا ندارد و مربوط به اقتصاد متعارف (نئوکلاسیکی) است.

وقتی که گفته می‌شود بانکداری بدون ربا مبتنی بر "سود" است و "بهره" در آن هیچ جایگاهی ندارد، بدین معنی است که در هر کدام از عقود که همگی مبتنی بر بخش حقیقی اقتصاد هستند به شکل کلی زیر عمل می‌شود:

الف) اگر بانک بخواهد به شخصیتی حقیقی یا حقوقی در قالب عقود مشارکتی تسهیلات بدهد؛ از آنجا که سود عقود مشارکتی پس از انجام پروژه ای که جهت آن تسهیلات گرفته شده بود مشخص می‌شود (درآمد منهای هزینه) نمی‌توان و نباید از قبل نرخ سودی برای اعلام گردد. در این نوع عقود سود می‌تواند کم یا زیاد شود و در حقیقت متغیر است (لکن نه یک تغییر دستوری) لذا نمی‌توان درباره زیاد کردن یا کم کردن نرخ سود صحبتی کرد چون ذاتاً توانایی چنین عملی در نظام بانکی بدون ربا وجود ندارد، و نرخ سود در این عقود بحثی دستوری یا سیاستی نیست که بشود آن را تعیین کرد، بلکه باید میزان تحقق واقعی آن در اقتصاد را سنجید و ملاک عمل قرار داد. لذا این بحث که نرخ سود تسهیلات بانکی کمتر از نرخ تورم است و این موضوع باعث ایجاد معوقات میشود، ماهیتاً و از اصل با قانون بانک داری بدون ربا که در ایران حاکم است در تضاد است (به فرض اول بحث توجه شود)؛ چراکه سود از این حیث^۱ ارتباطی به نرخ تورم ندارد و خود در فضایی واقعی تعیین می‌شود؛ کسی که تسهیلاتی را در قالب عقود مشارکتی گرفته است، تعهدی از جنس تعهد در نظام بانکی متعارف به بازگشت تسهیلات ندارد؛ چراکه مشخص نیست که پروژه سود کرده باشد یا زیان.

ب) اگر بانک بخواهد در قالب عقود با بازدهی ثابت (سود ثابت) اقدام به تسهیلات دهی کند، میتواند از قبل نرخ سود خود را مشخص کند (توجه شود که قاعدتاً نرخ سود عقود با بازدهی ثابت در بازار باید تعیین شود؛ یعنی مکانیسم عرضه و تقاضای تسهیلات (که مبتنی بر بر بخش حقیقی اقتصاد است نه همچون عرضه و تقاضای پول) با عقود ثابت باید اثر گذار باشد)؛ اما باید توجه شود که کسی در این حالت نمیتواند بدهی خود را به بانک پرداخت نکند، چراکه کالایی که شخص در قالب این عقود خریده، یا در رهن و یا در مالکیت بانک است و در صورت نپرداختن بدهی از ید گیرنده تسهیلات خارج خواهد شد. چراکه اگر بانک مطمئن شود که شخص قصد پرداخت اقساط را ندارد، می‌تواند مورد قرارداد را باز پس بگیرد (جدای از بحث جریمه که خود می‌تواند طبق شرایطی عاملی بازدارنده باشد) فلذا بحث تورم آن طور که در این سناریو اظهار شده در اینجا جایگاهی ندارد.

اگر قرار است که بانک اقدام به پرداخت تسهیلات با عقود ثابت بکند قطعاً بحث تورم را که منافع آن را تحت الشعاع قرار خواهد داد در نظر می‌گیرد.

ج) اگر بانک بخواهد در قالب عقود با بازدهی متغیر (سود متغیر) اقدام به تسهیلات دهی کند نیز همچون عقود مشارکتی عمل خواهد کرد، چرا که در این عقود نیز از قبل میزان سود مشخص نیست و بعد از انجام عملیات مورد نظر مقدار سود مشخص می‌شود و این نیز با بحث تورم آن طور که در این سناریو مطرح شده بی ارتباط است. (از آنجا که در بخش الف در این باب توضیح داده شد از تفصیل دوباره اجتناب می‌شود).

نهایتاً با عنایت به استدلال‌های مطرح شده و برهان‌های ذکر شده در موارد الف، ب و ج نمی‌توان این سناریو را برای یک نظام بانکی بدون ربا قبول کرد فلذا این سناریو با فرض اولیه به صورت توامان قابل پذیرش نیست.

۴) آیا شرایط نامساعد اقتصادی باعث ایجاد این حجم بدهی و معوقه در نظام بانکی شده است؟

عده ای استدلال می‌کنند که چون شرایط اقتصادی نامناسب بوده و فضای کسب و کار در حالت رکود حضور داشته، بنگاهها و عوامل اقتصادی نتوانسته اند بدهی‌های خود را به سیستم بانکی پرداخت کنند. اگر چه در نگاه اول این استدلال ساده و درست به نظر می‌آید لکن با بررسی و مذاقه بیشتر قضاوت متفاوت خواهد بود.

اگر این استدلال برای نظام بانکی ای مطرح می‌شد که اعتبارات در قالب قرض و وام به بنگاهها و فعالین اقتصادی تخصیص پیدا می‌کرد، این ادعا می‌توانست درست باشد؛ چراکه در چنین نظامی عموماً بانک به عنوان وام دهنده توجهی به این موضوع

۱. اگر چه بحث تورم از جهات دیگر قابل توجه است و بر میزان سود تاثیر می‌گذارد، لکن بحث پیرامون این موضوع در این مقاله مورد توجه نیست.

ندارد که قرض گیرنده (گیرنده وام) وجوه را در چه حوزه ای مصرف کرده است و آیا اگر فعالیت اقتصادی ای انجام داده، این فعالیت منجر به سود شده یا خیر. بانک در چنین نظامی بدون توجه به شرایط (از جمله شرایط نامناسب اقتصادی) اقدام به اخذ اصل و بهره وام داده شده می کند و اگر طبق این سناریو شرایط نامناسب اقتصادی به وجود آمده باشد، قاعدتا فعال اقتصادی تقاضای موثری برای محصولش وجود نخواهد داشت فلذا درآمدی ندارد، پس نهایتا نمی تواند بصورت کلی یا جزئی وام گرفته شده و بهره آن را پرداخت کند و نهایتا در یک دید کلان بدهی و معوقات بانکی به وجود می آید.

لکن همان طور که بررسی شد در نظام بانکی بدون ربا امکان ایجاد این موضوع به صورت وسیع وجود ندارد چراکه اگر تسهیلات در قالب عقود مشارکتی اختصاص یافته باشند در هنگامی که رکود اتفاق می افتد و یا شرایط اقتصادی نامناسب می گردد و بنگاهی فرضا با ورشکستگی مواجه می شود، از آنجا که با بانک شریک است، معوقه ایجاد نمی شود. با ذکر مثالی کمی این استدلال روشن تر می شود.

فرض کنید که بانک در پروژه ای ساختمانی با عده ای اشخاص حقیقی شریک شده است و قاعدتا باید پس از اتمام ساختمان و فروش آن سود محاسبه گردیده و به نسبت سهم شرکت هر کدام بین بانک و اشخاص حقیقی تقسیم گردد. حال بازار مسکن در فضای رکودی قرار گرفته است و به هر دلیلی تقاضای موثری برای مسکن وجود ندارد و به تبع آن واحد های ساختمانی به فروش نمی رود^۱. با این اوصاف آیا بانک می تواند مطالبه ای از آن اشخاص (شرکاء خود) داشته باشد؟ وقتی که سودی محقق نشده چگونه می تواند چیزی را مطالبه کند؟ البته توجه شود که بانک به قدر سهم شرکت خود در ساختمان ساخته شده شریک است و مالک عینی است و از این حالت هم امکان بدهی وجود ندارد.

اگر تسهیلات ارائه شده در قالب عقود با بازدهی ثابت باشد (سود ثابت)، قطعاً کالای خریداری شده توسط گیرنده تسهیلات در رهن یا مالکیت بانک است و در شرایط نامناسب اقتصادی، اگر بانک مطمئن شود که گیرنده تسهیلات توانایی پرداخت اقساط بدهی خود را ندارد؛ اقدام به اخذ مال خود یا مالی که در رهن داشته می کند و در نهایت بدهی ای به وجود نخواهد آمد.^۲

اگر تسهیلات در قالب عقود با بازدهی متغیر (سود متغیر) باشد نیز از آنجا که طبق قوانین اخذ وثایق و تامین ها تکلیف شده؛ نهایتا امکان بدهی وجود ندارد.

تفضیل مباحث فوق در بخش های قبل آمده است فلذا به اختصار بودن اکتفا می کنیم.

در مجموع این سناریو نیز با فرض اولیه همخوانی و سازگاری ندارد و قابل پذیرش توأمان نیستند.^۳

۱. فرض ما در مثال این است که بانک تا زمان اتمام پروژه ساختمانی و فروش آن شریک باقی می ماند.

۲. ممکن است بعضی مواقع، کالای مبادله شده در این عقود لوازم خانگی یا از این قبیل موارد باشد؛ جدای از اینکه در این حالات نیز فی الواقع آن کالا شرعا و قانونا یا در ملکیت یا در رهن بانک است؛ لکن توجه شود که وثایق و ضمانات مختلفی از سوی بانک در این حالات گرفته می شود که خود بازدارنده ایجاد بدهی هستند. همچنین این گونه تسهیلات سهم جزئی ای در تسهیلات پرداختی دارند.

۳. از مواردی که می توان به عنوان مهر تأییدی بر استدلال ما در مبحث این سناریو و به طور کلی موضوع این مقاله از آن استفاده کرد، مصاحبه وزیر صنعت، معدن و تجارت است: (۳۱ فروردین ۱۳۹۳ در مجلس شورای اسلامی)

"اینکه گفته می شود معوقات بانکی نزدیک به ۸۰ هزار میلیارد تومان است باید دید چند درصد از این مطالبات مربوط به بخش تولید است. طبق بررسی های انجام شده بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از معوقات بانکی به واحد های تولیدی بر می گردد؛ بنابراین ۸۰ هزار میلیارد تومان معوقات بانکی به سمت سفته بازی حرکت کرده است و نه تولید، که اگر اینگونه بود باید تورم کاهش می یافت" این سخنان در اخبار رسمی سیما و سایتهای خبری پخش شد. <http://sobhaneonline.com/fa/print/20264>

جمع بندی و نتیجه گیری:

تا اینجا چهار سناریو را بررسی کرده و استدلال کردیم که با فرض اولیه ما سازگار نبوده و پذیرش توامان آنها غیر قابل قبول و غیر منطقی است؛ حال این سوال پیش می‌آید که اکنون که این سناریوها در یک نظام بانکداری بدون ربا قابل پذیرش نیستند و فرض این است که نظام بانکی ایران کاملاً بر اساس اصول قانون عملیات بانکی بدون ربا طرح ریزی و اجرا شده است؛ پس چرا چنین حجم و نسبت بزرگی از معوقات و مطالبات غیر جاری (به عنوان تنها بخشی از مقوله کلی بدهی و مطالبات^۱) به وجود آمده است؟ با مطالبی که طرح و بحث شد به این نتیجه می‌رسیم که فرض در نظر گرفته شده یک فرض غیر واقعی است و نمی‌توان گفت که نظام بانکداری ایران مبتنی بر قانون عملیات بانکی بدون ربا عمل می‌کند؛ چراکه اگر فرض درست بود در نهایت و در یک دید کلان (نه خرد گرایانه و مصداقی) امکان به وجود آمدن چنین حجم و نسبت بزرگی از مطالبات غیر جاری غیر ممکن بود. به همین جهت می‌توان سناریو زیر را در قالب یک سوال مطرح کرد و پذیرفت.

* آیا اجرا نشدن حقیقی (حقیقی به معنای اجرا شدن صحیح و دقیق عقود اسلامی و قانون عملیات بانکی بدون ربا و قوانین اسلامی مرتبط) قانون بانکداری بدون ربا این میزان و نسبت از مطالبات غیر جاری و کلا بدهی را در نظام بانکی ایران ایجاد کرده است؟ احتمالاً بهترین و دقیق‌ترین پاسخ این است که در عمل، قانون عملیات بانکی بدون ربا اجرا نشده است و همان عملیات قرض دهی و بهره‌گیری در نظام بانکی ایران در بخش تخصیص منابع اتفاق افتاده است. به تبع این مسئله؛ و از آنجا که در قرض دهی تضمینی جهت حضور در بخش حقیقی اقتصاد وجود ندارد^۲؛ احتمال ایجاد معوقه از سوی وام‌گیرندگان بیشتر می‌شود و وقتی این مسئله با ضعف‌های دیگر نظام بانکی ایران مثل سیستم نامناسب و ناقص اعتبار سنجی، مسائلی چون شرایط نامناسب اقتصادی و تزریق منابع به بازارهای سوداگری و عملیات‌های سوداگرانه، کم بودن بهره بانکی نسبت به تورم، فساد و ... ملحوظ می‌شود، رسیدن به این حجم از معوقات بانکی امری بدیهی و قابل پیش‌بینی خواهد شد.^۳

۱. مطالبات انواع مختلفی دارد که از آن جمله "مطالبات سوخت شده" است (مطالبات غیر جاری تنها بخشی از مقوله کلی بدهی و مطالبات است) (مراجعه شود به آئین‌نامه وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول مؤسسات اعتباری؛ نطی تصویب نامه شماره ۱۵۳۹۶۵ / ت ۴۱۴۹۸ ه، مورخ ۱۳۸۸/۸/۳ هیئت وزیران) اما جالب اینجاست که نظام بانکداری بدون ربا یک ماهیت ضد مطالبات سوخت شده هم دارد. به زبان بهتر اصولاً مطالبات سوخت شده معنایی در نظام بانکی بدون ربا نخواهد داشت؛ چراکه اگر بر اساس قانون بانکداری ربا عمل شده باشد و تسهیلات براساس عقود شرعی پرداخت شده باشند، نوعاً امکان ایجاد مطالبات سوخت شده وجود ندارد؛ اگر این تسهیلات در قالب عقود مشارکتی پرداخت شده باشد؛ عامل ورشکستگی دیگر منجر به "مطالبه" نمیشود، چراکه بانک و گیرنده تسهیلات با هم شریک بوده‌اند و اگر ورشکستگی محرز شود یعنی طرفین ضرر و زیان دیده‌اند و طرفی از دیگری نمی‌تواند مطالبه‌ای داشته باشد و زیان نمیتواند و نباید در سرفصل مطالبات قرار گیرد. در حالت دیگر، اگر شریک بانک در یکی از عقود مشارکتی، فوت کند، از آنجا که با یکدیگر شراکت داشته‌اند و فعالیتی در بخش حقیقی اقتصاد انجام می‌داده‌اند، فلذا عینی در جهان واقع وجود دارد که نمی‌توان بانک را از آن محروم کرد.

اگر موارد فوق (فوت یا ورشکستگی و ...) در حالتی روی دهد که بانک و گیرنده تسهیلات بر اساس عقود با بازدهی ثابت با یکدیگر قرارداد بسته باشند، به طریق اولی امکان ایجاد "مطالبات سوخت شده" وجود ندارد؛ چرا که قطعاً عینی در جهان خارج وجود دارد که یا در ملکیت و یا در رهن بانک است. در حالت عقود با بازدهی متغیر نیز همین بحث با اطمینان متفاوتی صادق است؛ لکن موضوع قابل توجه دیگر این است که در همه موارد اعم از عقود مشارکتی و مبادله‌ای، وثایق و تأمین‌ها (که ماهیتاً عاملی برای جلوگیری از ایجاد بدهی (بطور کلی) هم هستند) نیز حقوق بانک را تضمین می‌کنند که این مورد ورای موارد فوق، از مطالبات سوخت شده جلوگیری می‌کند.

در مجموع باید گفت که این مورد از بخشنامه اشاره شده در فوق (بعنوان یکی از انواع مطالبات) به طور خاص، با نظام بانکی بدون ربا هماهنگی و تناسب ندارد و در حقیقت به نوعی موید این مطلب است که در نظام بانکی، سیستم قرض دهی برقرار است، بدون اینکه الزام و توجهی جهت درگیری قطعی با بخش حقیقی اقتصاد وجود داشته باشد و در حقیقت بانک خود را فارغ از بخش حقیقی اقتصاد می‌داند و به نوعی عمل نشدن به عقود اسلامی را نشان می‌دهد.

۲. زمانی که این سرمایه‌ها در بخش حقیقی اقتصاد حضور پیدا نکنند، می‌توانند به سرعت وارد فضای سوداگری و سفته‌بازی در بازارهای مختلف شوند؛ فرضاً این منابع وارد نظام بورسی شده و علائم غلط اقتصادی را اعلان می‌کنند و یا وارد بازارهایی همچون سکه، طلا و ارز می‌شوند و این بازارها را از تعادل و آرامش خارج می‌کنند و موجبات عدم آرامش و تعادل را در کل اقتصاد ایجاد خواهند کرد و در نهایت یک عامل برهم‌زننده اقتصاد می‌شوند. (مصداق این امر در چند سال اخیر (۱۳۹۲-۱۳۹۰) مشاهده شد) جدای از این موارد این امر باعث سود ببری و رانت‌خواری عده‌ای از افراد شده و فساد و فاصله طبقاتی‌ای که ناشی از کار و فعالیت صحیح نیست را دامن می‌زند.

در چنین حالاتی کسانی که اقدام به اخذ وام کرده‌اند، منافع خود را در پس ندادن وام‌ها می‌بینند چرا که با عملیات‌های سوداگرانه می‌توانند سودهای بزرگی کسب نمایند؛ و از آنجا که همچون عقود اسلامی حضوری در بخش حقیقی اقتصاد ندارند؛ بانک‌ها همچون نظام بانکی بدون ربا توان مقابله با ایجاد نشدن بدهی را ندارند و همچون احوال امروز نظام بانکی ما در دام معوقات شدید بانکی گرفتار خواهند شد.

۳ به غیر از مباحث نظری این پژوهش که موید این فرضیه است می‌توان به مصاحبه عضو شورای فقهی بانک مرکزی اشاره کرد. ایشان در مصاحبه خود به طور کامل صوری شدن عقود در نظام بانکی ایران را پذیرفته‌اند و به دلایل آن نیز پرداخته‌اند و حتی صراحتاً اعلام میدارند که بطور کلی مشارکت واقعی در بانک‌های

منابع و مآخذ

الف) کتب:

قرآن کریم.

امامی، سید حسن (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.

حاجیان، محمد رضا، موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی-بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۹۰.

سبحانی، حسن، اندازهای اقتصادی نقدهایی کوتاه بر اقتصاد سیاسی دهه هشتاد ایران، تهران، نور علم، چاپ اول، ۱۳۹۱.

سررشته، حسین، بانکداری داخلی (تخصیص منابع)، تهران، انتشارات اداره کل آموزش بانک سپه، چاپ اول، ۱۳۹۲.

شعبانی، احمد، بانکداری اسلامی: رویکرد اقتصادی و فقهی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۲.

فرزین وش، اسد...، بررسی عقود در بانکداری اسلام، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱.

کاتوزیان، ناصر، عقود معین ۴، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۷۳.

کاتوزیان، ناصر، مشارکت، صلح، عقود معین، تهران، گنج دانش.

منصور، جهانگیر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دوران، چاپ هفتاد و دوم، ۱۳۸۸.

منصور، جهانگیر، قوانین چک، سفته، برات، قانون جدید صدور چک، تهران، نشر دیدار، چاپ نهم ویرایش دوم (چاپ چهارم)، ۱۳۸۹.

منصور، جهانگیر، قانون مدنی، تهران، چاپ نماد، چاپ بیست و ششم ویرایش دوم (چاپ شصت و دوم)، ۱۳۸۹.

موسویان، عباس، بانکداری اسلامی، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، زمستان ۱۳۷۸.

والی نژاد، مرتضی، مجموعه بخشنامه های حوزه نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جلد

اول، تهران، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۹۲.

ب) مقالات:

ابولحسنی، اصغر؛ و رفیع حسنی مقدم، بررسی انواع ریسک و روشهای مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربا ایران، فصلنامه

علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۷.

اکبری، محمد، مباحثه در اقتصاد اسلامی با نگرش ویژه به بانکداری، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، در دست چاپ.

تقی نتاج، غلامحسن؛ و حمید رضا نجف پور کردی، بررسی تحلیل و علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه کارهای

پیشگیری و کاهش آن، نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۷، ۱۳۹۲.

حسن زاده، علی؛ و پیمان حبیبی، کالبد شکافی مطالبات معوق و راه های پیشگیری آن در سیستم بانکی، نشریه تازه های

اقتصاد، شماره ۱۳۹۰، ۱۳۰.

رستمیان، فروغ؛ و داود طبسی، بررسی عوامل موثر در ایجاد مطالبات معوق بانکهای تجاری مناطق آزاد تجاری - صنعت (مورد

مطالعه شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش، پژوهشنامه حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۹.

شعبانی، احمد؛ و عبدالحسین جلالی، دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن،

مجله برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۱.

صمصامی، حسین، ربا و مشکلات اقتصاد ایران، فصلنامه معرفت اقتصادی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۸.

مداحی، جواد، آسیب شناسی مطالبات معوق، نشریه بانک، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.